



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادیانی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی پاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust Institution in Iranian Law

بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران

Nastaran Arzainan
Assistant Professor of Public and Revolutionary Court of Ghaemshahr, Master of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mahsasadat Nabavi
Assistant Professor of Shahriar Public and Revolutionary Court, Master of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

نسترن ارزاینان
دادیار دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان قائمشهر، کارشناس ارشد حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Arzainan72@gmail.com
http://orcid.org/0000-0001-9488-8466

مهسادات نبوی
دادیار دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان شریار، کارشناس ارشد حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران
Sama0567@gmail.com

Abstract

The Bailment institution originates from the common law system, which has a disagreement over its position, scope, rules and effects. Bailment in Iranian law is equivalent to a deposit, bail, delivery, guarantee, and trustee translation that is not exact. It seems that Iran's closest legal entity to the Bailment is "yade Amani". There are several categories of this institution, of which the most important one can be, the classification of the Bailment on the basis of responsibility and the degree of the fate of Bailee (goods possessor). Enterprise transport operations of instances of bailment operations and has played a key role in the classification. Obviously, the purpose of the research is to identify the less-known concept of the bailment and, consequently, the effect of this institution on Iranian law and maritime transportation. Therefore, in the present study, while comparative study bailment in the UK and the US with the rights of Iran's rights and position of the bailment concept, in marine cargo as well as take a look at featured.

Keywords: Bailment, Trust, Coercive Guarantee, Contract.

چکیده

تأسیس حقوقی بیلمنت با ترکیب برخی از ویژگی‌های حقوق قراردادهای و ضمان قهری سیلی از اختلاف نظر را در رابطه با ماهیت اصلی آن به وجود آورده است. از این روی کوشش بسیاری برای شناخت، بررسی این مفهوم و جایابی این تأسیس در نظام کامن‌لا صورت پذیرفته است. به باور عده کثیری از حقوق دانان، بیلمنت عبارت است از تحویل کالا به شخصی با هدف معین با این شرط که بیلی همان کالا را پس از پایان هدف مشخص، به بیلور یا شخصی که وی تعیین می‌نماید، تحویل دهد. به نظر می‌رسد که بیلمنت با نهاد امانت در حقوق ایران شباهت‌هایی دارد. چراکه عقود اجاره، رهن و وثیقه، حمل و نقل، ودیعه و عاریه از مصادیق برجسته بیلمنت به شمار می‌آیند. لکن تفاوت‌هایی نظیر اینکه غضب از مصادیق ضمان قهری در حقوق ایران است که از مصادیق آشکارای بیلمنت محسوب می‌شود، نیز وجود دارد که حاکی از تمایز این دو تأسیس حقوقی از یکدیگر است. لذا موجبات پژوهشی تطبیقی با این موضوع فراهم شده است و با عنایت به این مسئله، نگارندگان در صدد بررسی مفهوم بیلمنت و اقسام آن خواهند بود، چراکه اساساً سوال اصلی پژوهش نیز همین است. شایان توجه است که پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: بیلمنت، امانت، ضمان قهری، قرارداد.

ارجاع:

ارزانیان، نسترن؛ نبوی، مهساسادات؛ (۱۴۰۱)، بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده امریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

بیلمنت^۱ به عنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای حقوقی در نظام حقوقی ایالات متحده امریکا و انگلستان شناخته شده است. بیلمنت از نهادهای تاریخی نظام کامن لا است که طیف وسیعی از حقوق دانان در اقصی نقاط جهان، در ارتباط با ماهیت واقعی آن به اجماع نرسیده اند (لی، ۲۰۰۸، ۳۸۳). گفتنی است که این نهاد حقوقی با ترکیب برخی از ویژگی های حقوق قراردادها و ضمانات قهری سبلی از اختلاف نظر را در رابطه با ماهیت اصلی آن به وجود آورده است (مریل و اسمیت، ۲۰۰۱، ۷۷۶). به باور بعضی از نویسندگان حقوقی، گستره تاریخی نهاد بیلمنت از گستره تاریخی حقوق قراردادها متمایز است (هلم هولز، ۱۹۹۲، ۱۰۵). در کامن لا از نظر تاریخی این نهاد، پیش از حقوق قراردادها ایجاد شده است زیرا در عصری ظهور کرده که حقوق قراردادها از قالب های حقوقی قرون وسطی در حال جداس شدن بوده است. با وجود این بیلمنت به عنوان منبع تعهد، مراحل تکامل را طی می کرد.

تلاش های بسیاری برای شناخت، بررسی این مفهوم و جایابی برای آنکه در کدام دسته از دسته قراردادها یا ضمان قهری قرار می گیرد، تقریباً بی نتیجه بوده است. در کامن لا برای شناخت بیشتر این مفهوم، قضات تنها مقصرین تفاسیر نادرست نیستند. مجلس قانون گذاری ایالات متحده امریکا، برای سال های متمادی، مفهوم بیلمنت را حذف و به تمامی دادگاه ها اعلام نمود که از این به بعد، مفهومی با نام

1- Bailment

بیلمنت به‌عنوان منبع تعهد وجود نخواهد داشت (کین، ۲۰۱۴، ۳۸). لذا تمامی مفاهیم تحت عنوان قراردادهای یا ضمان قهری قابل بررسی هستند.

در سیمای جدید، برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که اساساً مسائل مطروحه در خصوص روابط امانی و تمام مطالب آن یک شاخه‌ای از حقوق، تحت عنوان حقوق امانت را ایجاد کرده است و بنابراین بیلمنت تحت عنوان حقوق امانات قرار می‌گیرد (مایر و همکاران، ۲۰۱۲، ۸۱۸-۸۱۹)، اما عده‌ای از حقوق‌دانان بر این باورند که به دلیل ماهیت دوگانه بیلمنت، برای مصون ماندن از ایرادات، باید آن را نهادی جدید در مقابل قراردادهای و ضمان قهری دانست زیرا در بعضی موارد ویژگی‌های ضمان قهری و در بعضی موارد دیگر چهره حقوق قراردادهای را در دل خود جای داده است. همان‌طور که بیان شد، موضوع بیلمنت در ادبیات حقوقی ایران مفهومی تقریباً بدیع بوده و در موضوع نامبرده فراوانی پژوهش وجود نداشته است.^۲ ازین روی نوشتار حاضر به دنبال شناسایی این مفهوم کمتر شناخته شده در حقوق ایران است.

۱- ادبیات حقوقی تأسیس بیلمنت

در تعریف واژه «بیل»^۳ آمده است که آزادکردن به قید ضمانت، التزام و یا آزادکردن متهم با حصول اطمینان از حضور بعدی در جلسه دادگاه است (بلک، ۲۰۰۹، ۷۰۲). گفتنی است که تحویل اموال منقول توسط شخصی دیگر نیز معنا شده است. کلمه بیلمنت از فعل «بیلینگ»^۴ که یکی از معانی آن، تحویل گرفتن کالا و به امانت سپردن است، اقتباس شده است.^۵ نظر دیگری نیز در ارتباط با معنی بیلمنت وجود دارد. بعضی از مؤلفان بر این باورند که بیلمنت از کلمه انگلیسی «بیل بوند»^۶ به معنای بر عهده گرفتن و تحویل کالا به وجود آمده است (دمپستر، ۲۰۰۴، ۲۹۳).

بیلمنت برای تحویل گیرنده، حقوق کامل صاحب کالا را ایجاد نکرده و صرفاً حق تصرف در کالا را برای وی به همراه دارد. ساختار این نهاد، برای اشخاص ثالث ممکن است گمراه کننده باشد و حتی

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: دارایی، محمدهادی، بررسی تأسیس Bailment در نظام کامن‌لا و مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مجله حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۷. ارزانیان، نسترن، بررسی تحلیلی نهاد بیلمنت در نظام حقوقی کامن‌لا با تأکید بر احکام تصرف در اموال مجازی، فصلنامه حقوق و فناوری اطلاعات، کانون سردفتران و دفتریاران، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۸.

3- Bail

4- Bailing

۵- فعل بیلینگ دارای معنای دیگری همچون به قید کفیل آزاد کردن، کفیل گرفتن، حبس کردن، ضمانت کردن، انتقال و واگذاری نیز است.

6- Bail bond

خطراتی را برای صاحب کالا به وجود بیاورد. به طور مثال در این شرایط تحویل گیرنده از وضعیت ایجاد شده، سوءاستفاده نموده و مالکیت کالا را به خود یا اشخاص ثالثی که در جریان مالکیت کالا نیستند منتقل نماید. شایان توجه است که به نظر عدله کثیری از حقوق دانان، بیلمنت عبارت است از: تحویل کالا به شخصی با هدف معین با این شرط که بیلی همان کالا را پس از پایان هدف مشخص، به بیلور یا شخصی که وی تعیین می نماید، تحویل دهد (بنجامین جودا، ۱۹۹۸، ۵۳).

بیلمنت در حقوق ایران به مفاهیمی همچون، ودیعه، کفالت، تحویل گرفتن، ضمانت، وثیقه گذاری و امانت گیری ترجمه شده است (آقایی، ۱۳۸۲، ۱۲۹). به دیگر سخن واژه بیلمنت به معنای تحویل دارایی شخصی به منظور خاصی و یا صرفاً به منظور نگهداری مبنی بر اینکه پس از حصول مقصود به شخص عودت داده شود، است (کاظمی، ۱۳۹۳، ۲۵۱). اشتراک همه این مفاهیم، جریان داشتن قاعده استیمان و امانت در آن‌ها است. از این رو پاره‌ای از حقوق دانان ایران، به تسامح بیلمنت را مترادف امانت معنا کرده‌اند (کاظمی، ۱۳۹۳، ۲۵۱). در فقه امامیه و به تبع آن حقوق ایران، بررسی مفهوم امانت سابقه بسیار طولانی دارد. لکن نگارندگان بر این نظر نمی‌باشند، چرا که این دو نهاد حقوقی متفاوت هستند و دلایل این ادعا نیز بیان خواهد شد.

در فقه امامیه و حقوق ایران، امانت به عنوان وصفی عارض بر ید شناخته می‌شود که به موجب آن تصرفات شخص در اموال دیگری موجب ضمان وی نخواهد بود (دارایی، ۱۳۹۷، ۵). به تعبیر دیگر، وجود مال کسی نزد دیگری به اذن مالک یا قانون را امانت نامیده‌اند (امامی، ۱۳۹۱، ۲۷). گذشته از شرح و بیان، در یکی از تقسیمات، عقود خود به دو دسته امانی و غیر امانی تقسیم می‌شوند. عقود امانی نیز بر دو تیره عقود امانی مضمونه و غیر مضمونه تقسیم شده‌اند. علاوه بر این، در عقود امانی غیر مضمونه با انعقاد یک عقد امانی، متصرف به آشکار و به نحو امانی بر مال مورد امانت استیلا و تسلط پیدا می‌کند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۴۷). با این همه، در پاره‌ای از عقود که به عقود امانی مضمونه مرسوم‌اند نظیر عقد عاریه و اجاره، ید متصرف بر مال مورد امانت همچنان مضمونه باقی است و ظاهر بر این است که عقد امانی تغییری در وضعیت متصرف به وجود نیاورده است. در مقابل امانت، ضمان قرار دارد که مبنای فقهی آن، حدیث نبوی (عَلَى الْيَدِ مَا اخْدَتَ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ) است (شهیدی، ۱۳۹۳، ۱۰۲-۱۰۳) که به حدیث علی الید معروف است و مضمون آن این است که هر کس از راه نامشروع در مال دیگری تصرف کند، ضامن آن است تا آنکه آن را به صاحبش بازگرداند (محرمی و سیدبنایی، ۱۳۹۳، ۲۵۱). افزون بر این، قاعده ضمان ید از اسباب ضمان قهری و بیانگر لزوم جبران خسارات است و یکی از مبانی مسئولیت مدنی است.

۲- ویژگی‌های نهاد یلمنت

از مصادیق یلمنت می‌توان به خشکشویی، واسطه‌های فروشنده اوراق بهادار، تحویل کالاها به هدف تعمیرات، نگهداری‌های پارکینگ، انبارداری، اجاره‌کننده اتومبیل و وسایل در کاروانسراها و حمام‌ها اشاره نمود (لی، ۲۰۰۸، ۸۰۲). در سیمای جدید نظام حقوقی کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا، از غصب که از مصادیق آشکار ید ضمانی در حقوق ایران است، به‌عنوان یکی از مصادیق یلمنت نام برده شده است و از غاصب در این نظام حقوقی، به‌عنوان بیلی (امین) یاد کرده‌اند (لی، ۲۰۰۸، ۳۸۳). این نوع از روابط بسیار معمول و رایج بوده و خیل عظیمی از مبادلات تجاری روزانه را به خود اختصاص داده است. به نظر نمی‌آید در مصادیق آورده شده، هدف اصلی از یلمنت صرف نیابت و امانت باشد، زیرا در اثر هدف خاصی، نیاز در این است که بیلی بر کالای مورد نظر تصرف لازم را داشته باشد.

طیف وسیعی از حقوق‌دانان حوزه یلمنت، به بیان سه ویژگی اصلی نهاد یلمنت به شرح ذیل پرداخته‌اند (مان و رابرت، ۲۰۱۰، ۱۰۴۴). تصرف^۷ کالا و مراقبت از آن طبق دستورالعمل بیلور، بدون آنکه انتقال مالکیت در بازه زمانی معینی صورت گیرد. چهارچوب انحصاری این ماهیت، تنها اموال منقول را دربرمی‌گیرد. در نهایت استرداد کالا به مالک آن، می‌بایست صورت گیرد.

۳- تقسیمات نهاد یلمنت

از یلمنت تقسیمات متعددی ارائه شده است. تقسیماتی چون، تقسیم بر پایه پرونده پایونر کانتینر، تقسیم به منظور تأمین منافع اطراف یلمنت، تقسیم از نظر منبع آگاهی و تقسیم از نظر درجه مسئولیت و تقصیر.

۳-۱- تقسیم بر پایه پرونده پایونر کانتینر

یکی از مشهورترین تقسیماتی که از نهاد یلمنت در دسترس است، تقسیمی است که در سال ۱۹۹۴ میلادی بر بنیان رأی قاضی پرونده پایونر کانتینر، از آن ارائه شده است (بنکر و رافرتی، ۱۹۹۷، ۲۴۹-۲۵۰). حال آنکه ابتدایی‌ترین انشعاب و طبقه‌بندی یلمنت در سال ۱۷۰۳ میلادی، از سوی قاضی پرونده کاگر علیه برنارد^۸ اظهار شده است. بنیان اصلی آن، بر پایه تعهداتی است که برای اطراف رابطه یلمنت ایجاد می‌شود. در سال‌های بعدی این تقسیم‌بندی بر مبنای پرونده پایونر کانتینر، اندکی دچار تغییر و تحول گردید که در ذیل به اقسام آن اشاراتی می‌شود.

7- Possession

8- Coggs v Bernard

بیلمنت که صرفاً به نفع بیلور است: تحویل کالا به بیلی و آغاز تصرفات وی بر کالا، با آنکه منافعی برای وی، وجود نخواهد داشت. به طور مثال، فردی که گل گران قیمت خود را به همسایه خود می سپارد تا همسایه هر روز به آن رسیدگی لازم را بنماید.^۹

بیلمنت که صرفاً به نفع بیلی است: تحویل کالا به بیلی، آغاز سلطه و تصرف بیلی بر کالا هدف از آن، استفاده و کسب منفعت خواهد بود.^{۱۰} برای مثال، شخصی اتومبیل خود را به دوست خود می سپارد تا از آن استفاده نماید.

اجاره: اجاره مالی به منظور استفاده بیلی، در مقابل پرداخت اجرت المسمی.^{۱۱} مصداق بارز این صنف از اقسام بیلمنت، همان قرارداد اجاره کشتی به صورت کامل است.

رهن: تحویل کالایی به منظور رهن، برای تضمین بازپرداخت پولی که پیشتر به قرض گرفته است.^{۱۲} حمل و نقل: تحویل کالا به بیلی، به مقصود انجام کاری بر روی آن، در ازای پرداخت اجرت المسمی. مانند حمل و نقل کالاها.

ارائه خدمت غیر معوض: تحویل کالا به بیلی، به منظور خدمتی بدون در نظر گرفتن اجرت. غضب: شخصی که عمداً کالای دیگری را، بدون رضایت و اذن وی تصرف نماید. برای مثال شخص سارقی که کالا را تحت تصرف خود قرار داده است. آخرین انشعاب در پرونده پایونر کانتینر به این تقسیم بندی اضافه شده است.

بسیاری از حقوق دانان بر این باورند که تصمیم قاضی در این پرونده تأثیر شگرفی بر سرنوشت بیلمنت و احکام آن داشته است. برخی دیگر از تصمیم قاضی این پرونده جنجالی به عنوان اشتباهی فاحش، نام برده اند و معتقدند که بی گمان دسته آخر از گونه های نهاد بیلمنت، باید از گستره آن محو شود. منتها پاره ای از حقوق دانان حوزه بیلمنت، تصمیم قاضی مذکور را تصمیمی صحیح و جسورانه می پندارند.

۲-۳- تقسیم به منظور تأمین منافع اطراف بیلمنت

پس از تقسیمات بر بنیان پرونده های برنارد علیه گاوز و پرونده جنجالی پایونر کانتینر، طبقه بند پیش رو یکی از مهم ترین تقسیماتی است که از بیلمنت ارائه شده است. شالوده این تقسیم، مبتنی است بر اینکه کدام یک از

9- Depositor

10- Commodatum

11- Locatio Conductio

12- Pledge

طرفین، از بیلمنت منتفع می‌شوند. تقسیم اظهار شده اثرش در مسئولیت و تعهداتی است که برای طرفین بیلمنت ایجاد خواهد کرد. به همین منظور، حقوق‌دانان بیلمنت را به سه صنف تقسیم می‌نمایند:

اول) بیلمنت منعقد، صرفاً به نفع بیلور^{۱۳} است. در حالت پیش رو بیلور هیچ عوض یا منفعتی را در مقابل کار یا خدمت بیلی پرداخت نمی‌کند. به‌عنوان مثال، شخصی کالای خود را به منظور نگهداری به شخص دیگری می‌سپارد و در ازای خدمت، هیچ اجرتی به وی پرداخت نمی‌کند. در این فرض، بیلی مسئول تلف یا آسیب به کالا نیست، مگر اینکه چنین خساراتی ناشی از بی‌توجهی و تقصیر سنگین شخص بیلی باشد.

دوم) بیلمنت که تنها به نفع بیلی بوده و در ازای استفاده از مال، به بیلور آن هیچ‌گونه عوض یا منفعتی پرداخت تعلق نمی‌گیرد. به‌طور مثال شخصی لوازم آشپزخانه خود را به بیلی تحویل می‌دهد تا وی در میهمانی خود از آن‌ها استفاده نماید. در فرض طرح شده، بیلی نباید کوچک‌ترین تقصیری در نگهداری و استفاده از کالا داشته باشد و گرنه مسئول خواهد بود.

سوم) بیلمنت که بر پایه نفع و سود دوجانبه بوده و بین اطراف آن منفعت تقسیم می‌شود. در نظام کامن‌لا این قسم از بیلمنت، به بیلمنت متقابل^{۱۴} متداول است. پاره‌ای از حقوق‌دانان نیز به آن لقب بیلمنت تجاری داده‌اند (مان و رابرتز، ۲۰۱۰، ۱۰۴۴). لذا در کامن‌لا، محبوب‌ترین رابطه بر پایه بیلمنت همین تیره است. به‌طور مثال متصدی حمل‌ونقل بر پایه قرارداد حمل یا بارنامه، کالایی را از فرستنده به مقصود حمل به مقصدی معین تحویل گرفته و در طرف مقابل نیز فرستنده موظف بوده تا کلیه هزینه‌های مربوط به حمل کالا از قبیل کرایه حمل را به متصدی حمل‌ونقل بپردازد. در بیلمنت متقابل، مراقبت متعارف و معقول از کالا کفایت می‌کند.

۳-۳- تقسیم از نظر منبع آگاهی

شایان توجه است که بیلمنت از نظر منبع آگاهی به دو دسته «Conscious Bailment» و «Unconscious Bailment» تقسیم‌بندی شده است. عده‌ای از حقوق‌دانان کامن‌لایی از آن، با عنوان بیلمنت ارادی و بیلمنت غیرارادی نیز نام برده‌اند (برکز، ۲۰۰۰، ۴۰۵-۴۰۶). بدین روی بیلمنت ارادی شامل فرضی است که هر دو طرف با اراده آزادانه خویش رابطه‌ای تحت چهارچوب بیلمنت شکل می‌دهند. در این حالت لازم است که بیلور در رابطه با مالکیت آن، آگاهی کامل را داشته و در حقیقت کالا نیز از آن صاحب

13- Bailor

14- Mutual Bailment

کالا باشد. به طور مثال اگر شخصی با گمان اینکه کالا از آن وی است، آن را به شخصی دیگر بسپارد و پس از آن مشخص شود که کالا از آن وی نبوده است، رابطه مطروحه تحت عنوان بیلمنت قرار می‌گیرد، اما از تیره بیلمنت ارادی یا آگاهانه به شمار نمی‌آید. معمولاً رابطه بیلمنت ارادی، مبتنی بر رضایت اطراف آن خواهد بود (بریج، ۲۰۱۵، ۶۰). حال آنکه بیلمنت غیرارادی یا ناآگاهانه، بدون وجود رضایت اطراف یا یکی از طرفین آن، حادث خواهد شد (میلر و منتز، ۲۰۱۰، ۵۹۶-۵۹۷). فرض آن در زمانی است که کسی بر حسب تصادف یا در اثر اشتباهی بر مالی که متعلق به شخص دیگری است، تسلط و استیلا پیدا می‌کند. اما فرض بعدی، در جایی است که کالا بدون اراده و اذن بیلور در دست کسی دیگر قرار می‌گیرد که در نظام حقوقی کشورهای انگلستان و ایالات متحده امریکا از آن ذیل عنوان امانت قانونی بحث شده است. به طور مثال یابنده‌ای کالایی را پیدا می‌کند و تا زمانی که آن را بر نداشته است، همچنان مسئولیتی نداشته و تابع احکام بیلمنت نخواهد بود. ولیکن در زمانی که یابنده، کالا را از زمین بردارد مسئولیت وی آغاز شده و بیلمنت واقع می‌شود. در فرضی که به شخصی اشتبهاً مالی داده می‌شود و مشخص می‌شود که مال وی نبوده است، برخورد متفاوتی نسبت به سایر حالات امانت غیرارادی صورت می‌گیرد. در این مورد به گیرنده، بیللی غیرداوطلب می‌گویند که در چنین حالتی وی در برابر تقصیرات خود مسئول نیست! بلکه تنها نباید عامدانه به کالاها خسارت زده و یا آن‌ها را به فروش برساند. همچنین وی مکلف نیست رأساً نسبت به برگرداندن کالا اقدام نماید. چراکه صرفاً در صورت مطالبه مالک، این وظیفه متوجه او خواهد بود. براساس قانون کالاها و خدماتی که ناخواسته دریافت می‌شود مصوب ۱۹۷۱ میلادی، زمانی که کالایی به منظور فروش برای دیگری به صورت اشتباه ارسال شود، گیرنده می‌تواند اختطاری به فرستنده جهت پس گرفتن کالا داده و در صورت عدم اقدام او پس از گذشت سی روز، کالا را استفاده کرده یا بفروشد و اگر اختطاری نفرستاده باشد، بعد از گذشت شش ماه از زمان دریافت آن، چنانچه فرستنده در راستای گرفتن کالا اقدامی نکند، این حق را دارد که کالا را تصاحب کرده و آن را بفروشد یا استفاده کند (مان و رابرتز، ۲۰۱۰، ۱۰۴۴).

۴-۳- تقسیم از نظر درجه مسئولیت و تقصیر

یکی از پر اهمیت‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی که از بیلمنت اظهار شده است، طرحی مبتنی بر مسئولیت و درجه تقصیر بیللی است. براساس این تقسیم‌بندی، این نهاد به دو تیره «Ordinary Bailments» یا ویژه و «Ordinary Bailments» یا معمولی یا ساده تقسیم می‌شود. چراکه در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایالات

متحده آمریکا، مسئولیت به چهار درجه مسئولیت مبتنی بر تقصیر سبک، تقصیر عادی، تقصیر نیمه سنگین و سنگین، مسئولیت محض^{۱۵} و نوعی طبقه‌بندی شده است؛ فلذا تقسیم بیان شده به یکی از مهم‌ترین اقسام ییلمنت شهرت دارد.

بنا بر این تقسیم، مسئولیت بیلی نقش به‌سزایی در این روابط ایفا می‌کند. واضح است که مسئولیت بیلی نیز در هر یک از این اقسام، از شدت و حدت مخصوص به خود برخوردار است. در نظام حقوق کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا در ساحت ییلمنت عادی، وظیفه اولیه بیلی آن دست از مراقبت از کالا را دربرمی‌گیرد که به‌طور معمول و به صورت عرفی انجام می‌گیرد. گفتنی است که برای کالاهای باارزش‌تر، این بستگی به طرفین دارد که چه پیش‌فرض‌هایی برای مراقبت بیشتر از کالا در نظر بگیرند؛ بنابراین به فراخور نوع، ارزش کالا و حتی نوع ییلمنت درجه مراقبت از کالا متفاوت خواهد بود. منتها فرض اصلی در این نوع از روابط، بر این است که بیلی در حد متعارف مسئول کلیه خسارات ناشی از تلف یا صدمه به کالا خواهد بود (نیومان، ۲۰۱۵، ۳۹-۴۴). در ییلمنت فوق‌العاده یا ویژه، اصل بر این است که مسئولیت بیلی مسئولیتی محض است.

۱-۴-۳- ییلمنت عادی

در سال ۱۸۴۲ میلادی در دعوی دیووس و مان، ییلمنت به دو قسم نامبرده تقسیم شد. چراکه در این دعوی که موضوع آن، اجاره مالی منقول بوده است، قاضی پرونده به جهت غیرتجاری بودن موضوع و ریسک کم برای طرفین، طرف مقابل را به مسئولیت محض محکوم نکرده و مسئولیت وی را بر حسب موضوع تقصیر عادی دانسته است. لذا چنین رأیی مبنای به رسمیت شناخته شدن تقسیم ییلمنت عادی و فوق‌العاده شناخته شده است. از مصادیق برجسته ییلمنت عادی می‌توان به انبارداری، رهن و وثیقه، صندوق امانات، اجاره به شرط تملیک و شرط حفظ مالکیت و حمل و نقل خصوصی اشاره نمود.

۱-۴-۳-۱- انبارداری^{۱۶}

انباردار مسئول حفاظت از کالاهای موجود در انبار است و حدود مسئولیت او براساس مراقبت، حفاظت معمولی و در حدود صلاحیت شغلی وی خواهد بود. لذا انباردار در صورت تعدی یا تفریط به سخن دیگر تقصیر، مسئول جبران خسارات وارده به کالا خواهد بود (هوزاک، ۲۰۱۶، ۹۱۶-۹۱۷). پرواضح

15- Strict Liability

16- Inventory

است که انباردار طبق رسیدی که صادر می‌نماید مسئولیت خواهد داشت. انباردار در رسید تقریری خود، می‌بایست تمامی جزئیات مربوط به کالا را به‌طور دقیق بنویسد. به‌عنوان مثال، تعداد کالا، نوع بسته بندی، وزن محموله و ظواهر آن را به‌طور کامل ترقیم نماید. چراکه کالا طبق رسید اظهاری، همان‌طور تحویل گرفته شده است و انباردار در قبال تحویل کالاها مسئول بوده و طبق همان رسید باید کالاها را در همان شکل و قالب به مالک مسترد نماید.

با عنایت به تاریخچه ایجاد، شرح وظایف و تعهدات انبارداری، به نظر می‌رسد که در نظام کامن‌لا نسبت به تعیین مصادیق در گستره بیلمنت عادی و فوق‌العاده دقت لازم نشده است. چراکه با توجه به مطالب بیان شده، انبارداری صرفاً شغلی تجاری است و در مشاغل و تعهدات تجاری به دلیل ریسک‌های بالا در بازارهای سرمایه‌ای نیاز است که مسئولیت و درجه آن بالاتر باشد. در نتیجه به نظر نگارندگان نیاز است که انبارداری، در کنار سایر مصادیق بیلمنت فوق‌العاده و ویژه قرار گرفته و بازتعریف شود.

در حقوق ایران اغلب انبارداری جزء عملیات حمل‌ونقل کالاها است. به عبارتی دیگر متصدی حمل‌ونقل، کالای مورد حمل را در بندر مقصد تحویل انباردار داده یا خود فرستنده، برای ارسال کالا ابتدا آن را به انباردار می‌سپارد تا کالا در جریان حمل‌ونقل قرار بگیرد. به همین جهت در این حالت انبارداری جزیی از عملیات پیچیده و گسترده حمل بوده که بنا بر تعریف از عملیات حمل و بار، مسئولیت مختلفی که در کنوانسیون‌ها و نظام‌های حقوقی تقریر شده است، متفاوت خواهد بود. منتها از سویی انبارداری، غیر از جریان عملیات حمل، در قالب عقد اجاره و ودیعه نیز قابل طرح است. بنا بر نظری، انبارداری همان عقد ودیعه با شرط عوض است. فقها در تعریف ودیعه گفته‌اند که ودیعه نوعی «استنباه» است که برای حفظ مال انجام می‌شود. به این منظور که مالک، امین را نایب خود در نگهداری و مراقبت از مال خود، قرار می‌دهد. قانون مدنی در ماده (۶۰۷)^۷، ودیعه را عقدی تعریف کرده است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد، تا آن را مجاناً نگاه دارد. به نظر می‌رسد که انبارداری که یکی از مشاغل روز دنیای تجارت محسوب می‌شود، نمی‌تواند یکی از مصادیق عقد ودیعه باشد. چراکه عقد ودیعه نوعی استنباه و هدف اصلی از آن امانت می‌باشد، نه کسب اجرت و انتفاع، اما در عقد اجاره اشیاء، مؤجر در قبال اجاره‌دادن عین مستأجره، مبلغی را با عنوان اجرت المسمی از مستأجر دریافت می‌دارد.

۱۷- ماده ۶۰۷: ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را مجاناً نگاه دارد. ودیعه گذار مودع و ودیعه گیر را مستودع یا امین می‌گویند.

معامله در اجاره عبارتند از منفعت و اجرت. عقد اجاره جزء عقود امانی محسوب شده و با پرداخت عوض نیز همراه است. لذا زمانی که انباردار رسید دریافت کالا را صادر می‌کند، ظاهر بر این است که قسمتی از فضای انبار را، به مالک کالا در ازای پرداخت مبلغی برای مدت معینی اجاره می‌دهد. از نگاهی دیگر، به نظر می‌آید که انبارداری عقد اجاره اشخاص است. به این دلیل که انباردار در ازای نگهداری و مراقبت از کالا، اجرتی معین را دریافت می‌دارد. در نتیجه عقد اجاره اشخاص به نظر می‌رسد، نه اجاره اشیاء. به نظر نگارندگان، ترکیبی از قرارداد اجاره اشخاص و اجاره اشیاء در انبارداری وجود دارد. از این رو که متصدی انبار در ازای خدمتی که به صاحب کالا ارائه داده و از جهتی دیگر نیز، قسمتی از فضای انبار را در ازای مبلغی به صاحب کالا اجاره می‌دهد؛ بنابراین انبارداری از جمله قراردادهایی است که از چهره‌ای ترکیبی برخوردار است.

۲-۱-۴-۳- رهن^{۱۸} و وثیقه^{۱۹}

رهن عبارت است از تحویل کالایی، به منظور تضمین بازپرداخت پولی که بیشتر به قرض گرفته شده است. اساساً در کامن‌لا هر نوع مالی قابل رهن‌گذاری است. طیفی از حقوق‌دانان کشور انگلستان تصریح کرده‌اند که هر مالی شامل اموال غیرمنقول، اموال شخصی، اموال عینی و دینی، اموال موجود و حتی مالی که در آینده تحصیل^{۲۰} خواهد شد، می‌تواند مورد رهن قرار بگیرد (نیک فرجام، ۱۳۹۰، ۲۲۶)، اما اموال غیرمنقول به رهن گذاشته شده، به هیچ‌وجه در گستره بیلمنت قرار نمی‌گیرند. در ماده ۲۰۵ قانون حقوق اموال انگلستان مصوب ۱۹۲۵ میلادی^{۲۱} در رابطه با رهن آمده است که: رهن شامل هر نوع گرو یا حق حبس است که نسبت به هر نوع مالی به منظور تضمین مبلغی پول یا ارزش مالی برقرار می‌شود. قبض در رهن از اهمیت بالایی برخوردار است، لکن شرط صحت عقد نمی‌باشد. در نظام کامن‌لا، دو مفهوم رهن و وثیقه از یکدیگر متمایز و منفک می‌باشند. برای پی بردن به تفاوت‌های میان این دو مفهوم نیاز است که وثیقه به خوبی تعریف شود.

وثیقه به معنی این است که شخصی کالای معینی را به‌عنوان تضمین انجام تعهدی یا پرداخت دین خود، در اختیار شخصی دیگر یا نماینده وی قرار دهد، تا در صورت ایفای تعهد، وثیقه‌گیرنده آن را به او

18- Mortgage

19- pawn or pledge

20- Future Property

21- Act of Property Legislation 1925

باز گرداند و در غیر این صورت، از محل فروش آن کالا، حقوق خود را استیفا نماید (مان و رابرتز، ۲۰۱۰، ۷۷۰). لذا مواردی قابلیت توثیق را دارند که بتوان در آن وضع ید کرد و به عبارتی بهتر، قابلیت تصرف در آن موجود باشد؛ بنابراین اموالی مانند کالا، اسناد مالکیت نظیر سند قبض انبار و سند بارنامه، سهام و اوراق قرضه که قابلیت تصرف را دارند، می‌توانند به وثیقه گذاشته شوند. به نظر می‌رسد علت اینکه اسناد قابل تصرف و به تبعیت از آن قابلیت وثیقه و رهن را دارند، این است که این اسناد، نماینده موضوع کالای خود هستند و تصرف آن‌ها در حکم تصرف کالای موضوع آن اسناد به حساب می‌آید (نیک فرجام، ۱۳۹۰، ۲۲۵-۲۲۶).

در حقوق ایران، اموال مادی اعم از منقول و غیرمنقول قابلیت رهن گذاشتن را دارند. ناگفته نماند که قانون مدنی به صراحت بیان کرده است که دین و منفعت قابلیت به رهن گذاشتن را ندارند. در عقد رهن نظر به اینکه قبض شرط صحت آن می‌باشد، دین، منفعت و دارایی‌های فکری را در سیطره خود جای نمی‌دهد. چراکه به نظر طیف گسترده‌ای از حقوق‌دانان، قبض و تصرف در دیون و دارایی‌های فکری ممکن نیست (دلشاد معارف، ۱۳۹۳، ۱۵). لکن باید بیان نمود که قبض و تصرف در اموال مختلف متفاوت است. لذا قبض در اموال فکری و دیون نیز وجود دارد، ولیکن از قبض و تصرف در اموال مادی اندکی متفاوت تر خواهد بود. البته اوراق مشارکت، سهام، بارنامه و قبض انبار به دلیل اینکه نماینده خود کالا و مال ملموس می‌باشند، قبض صورت گرفته و رهن آن‌ها معتبر خواهد بود. لازم به ذکر است که عده‌ای بر این باورند که در رهن دین، تحقق مفهوم قبض که شرط وقوع عقد است، محل تردید است، چراکه ظاهر نصوص وارده، حکایت از این دارد که آنچه به قبض داده می‌شود، باید خود رهنه‌ای باشد که موضوع عقد قرار گرفته نه فردی از افراد آن. هرچند بر آن قبض عرفی اطلاق می‌شود زیرا، قبضی که از ادله به ذهن متبادر می‌شود با قبض عرفی ملازمه‌ای ندارد (شکری، ۱۳۹۰، ۷۶-۷۷).

۳-۱-۳-۴-۳- صندوق امانات^{۲۲}

قرارداد صندوق امانت زمانی شکل می‌گیرد که مطابق آن، بانک صندوقی را در برابر دریافت عوضی مشخص در اختیار مشتری قرار می‌دهد تا مشتری اشیاء، اسناد و اموال قیمتی خود را در آن به امانت بگذارد (سعادت مصطفوی و تاتاری، ۱۳۹۲، ۱۰۲). برخی از حقوق‌دانان معتقد هستند که صندوق امانت بانکی، در ذیل مصادیق بیلمنت جای نخواهد گرفت (مایر و همکاران، ۲۰۱۲، ۸۲۱). دلیل آن‌ها بر این مبنا استوار است

که رابطه ایجاد شده، صرفاً یک رابطه استیجاری بین مؤجر و مستأجر می‌باشد که به دلیل ماهیت خاص آن در زمره احکام بیلمنت قرار نمی‌گیرد. البته دیدگاه اکثریت محققین بر این است که صندوق امانات از مصادیق بیلمنت است و تمام ویژگی‌های عقد ودیعه را هم دارا است. اکنون ماهیت صندوق امانات مورد بررسی قرار می‌گیرد تا به آسانی یکی از دیدگاه‌های ارائه شده مورد پذیرش واقع شود.

درباره ماهیت و احکام صندوق امانت، اختلاف نظر زیادی وجود دارد. چراکه از طرفی، مشتریان بانک به دلیل اطمینانی که نسبت به امنیت این گونه صندوق‌ها دارند، اموال خود را در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند. به همین جهت، انتظار دارند تا بانک‌ها نیز در حد بسیار مطلوبی از آن‌ها مراقبت و نگهداری نمایند. از سوی دیگر، در هنگام واگذاری صندوق‌ها، یک یا دو کلید آن به مالک کالاها تحویل داده می‌شود (سعادت مصطفوی و تاتاری، ۱۳۹۲، ۱۰۷). برخی از صاحب‌نظران معتقدند که قرارداد صندوق امانات قرارداد اجاره مال غیرمنقول است (مایر و همکاران، ۲۰۱۲، ۸۲۱)، لذا موضوع اصلی قرارداد صندوق امانات، بحث سرمایه یا دارایی منقولی نیست که در صندوق مذکور نگهداری و مراقبت می‌شود، بلکه موضوع این قرارداد، خود صندوق امانات هستند که بی‌شک جزئی از اموال غیرمنقول محسوب می‌شوند. مبرهن است که اجاره مال غیرمنقول نیز در زمره بیلمنت قرار نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد اجاره دانستن این قرارداد محل ایراد است، زیرا در اجاره، مؤجر هیچ‌گونه تعهدی به نگهداری ندارد اما در صندوق امانات، بانک مکلف به حفاظت از محتوای صندوق خواهد بود (دارایی، ۱۳۹۷، ۱۶).

اما نگارندگان بر این باور هستند که در صندوق امانت بیلمنت محقق شده است زیرا، تصرف واقع شده و هدف در این عقد، نگهداری و مراقبت از اموال است. لذا با مطالبه مالک، کالاها به وی مسترد می‌شود. لازم به ذکر است که نسخه‌ای از کلید صندوق امانت در دست بانک نیز است تا در صورت مفقودی یا سرقت کلید اصلی، یا در صورت دستور قضایی، بتوانند صندوق را بازگشایی نمایند. اساساً این صندوق در محیط بانک که تحت کنترل و سلطه بانک است، تعبیه گردیده و در نتیجه اشیایی که درون آن گذاشته می‌شود بالتبع تحت تصرف و وضع ید بانک قرار خواهد داشت (مایر و همکاران، ۲۰۱۲، ۸۲۰). با این همه بانک آن مقدار از سلطه را که برای تحقق امانت لازم است را در دست دارد. به نظر می‌رسد که رویه دادگاه‌های کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا در تأیید همین نظر است؛ بنابراین صندوق امانات نوعی از بیلمنت متقابل و تجاری محسوب می‌شود که شالوده آن بر نفع طرفینی است و بانک در صورتی ضامن است که مرتکب تقصیر شده باشد.

در حقوق ایران نیز در ارتباط با ماهیت اصلی صندوق امانات اختلاف نظرانی به چشم می‌خورد. عده‌ای بر این باورند که صندوق امانت عقد ودیعه است (سعادت مصطفوی و تاتاری، ۱۳۹۲، ۱۰۴) زیرا مشتریان بانک به دلیل اطمینانی که نسبت به امنیت این گونه صندوق‌ها دارند، اموال خود را در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند و به نظر آن‌ها، بانک باید بیشترین مراقب و نگهداری را از دارایی آن‌ها انجام دهد. هدف اصلی از انعقاد ودیعه سپردن مالی به دیگری به صورت مجانا برای نگهداری و استنباه از آن است. در صورتی که در قرارداد صندوق امانات در ازای پرداخت عوض خواهد بود و جزیی از قراردادهای مجانی نمی‌تواند باشد. افزون بر این امین باید مال مورد ودیعه را عیناً به مالک مسترد نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۱)، حال آنکه امین هیچ‌گونه تسلطی بر صندوق امانات در مقابل مالک نداشته و تنها کلید دوم آن را در دست دارد! عده‌ای از حقوق‌دانان، این قرارداد را از مصادیق عقد اجاره می‌دانند. عده‌ای همچون نگارندگان نیز بر این باورند که قرارداد صندوق امانات مرکب از قرارداد اجاره و عقد ودیعه می‌باشند.

۴-۱-۴-۳-۴- اجاره به شرط تملیک^{۲۳} و شرط حفظ مالکیت^{۲۴}

مشأ قرارداد اجاره به شرط تملیک از نظام کامن‌لا است. در ابتدا تجار و بازرگانان از این قرارداد سوءاستفاده‌های بسیاری کرده و آن را سازگار با منافع خود با طرفی دیگر منعقد می‌ساختند (وحیدی، ۱۳۸۴، ۶۲-۶۳). از رهگذر این، قانون‌گذار برای حفظ منافع اطراف ضعیف‌تر و محافظت از حقوق آن‌ها در برابر تجار، اقدام به قانون‌گذاری نمود. به موجب قانون اجاره به شرط تملیک و قانون اعتبارات انگلستان مصوب ۱۹۷۴ میلادی بیان شده است که اجاره به شرط تملیک عقدی است که در آن مالکیت کالاهای مورد اجاره، در عوض پرداخت‌های دوره‌ای توسط اعتبارگیرنده، از طریق اعتباردهنده به مشارالیه انتقال می‌یابد، به شرطی که اعتبارگیرنده به تمام شرایط موجود در قرارداد عمل نموده و حق تملک خود را اعمال نماید. به بیانی دیگر، اجاره به شرط تملیک قراردادی است که بر پایه آن کالایی در ازای اقساطی توسط مستأجر اجاره شده و مالکیت کالا زمانی به‌طور کامل انتقال می‌یابد که اقساط مذکور به پایان برسد. به نظر اکثر حقوق‌دانان ماهیت واقعی اجاره به شرط تملیک، همان قرارداد اجاره است نه عقد بیع. ماهیت حقوقی اجاره به شرط تملیک، می‌تواند بیلمنت باشد. چراکه تا زمانی که آخرین قسط مال الاجاره پرداخت نشده است، انتقال مالکیت نیز رخ نخواهد داد. به نظر می‌آید که در این فرض بیلمنت

23- Hire Purchase

24- Retention of Title Clause

محقق خواهد شد. چراکه کالا همچنان تحت تصرف بیلی قرار داشته و انتقال مالیکت نیز صورت نگرفته است. دور از ذهن نیست که مستأجر نیز در پایان مدت قرارداد اجاره از حق خریدی که برای وی ایجاد شده است، استفاده نکرده و کالا را به مالک آن عودت بدهد.

در حقوق ایران، در تبصره^{۲۵} ماده ۳ و ماده «۱۲»^{۲۶} قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲، مطالبی در ارتباط با اجاره به شرط تملیک تقریر شده است. براساس این قانون، اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ای است که در آن شرط می‌شود که مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به تمامی شرایط مندرج در قرارداد فی مابین، مالک عین مستأجره خواهد شد (وفادار، ۱۳۸۷، ۳۵۳). با بررسی مواد «۱»^{۲۷} و «۱۲»^{۲۸} دستورالعمل اجرایی اجاره به شرط تملیک مصوب ۱۳۶۳، این نکته را می‌توان به وضوح دریافت که اراده قانون‌گذار مبنی بر اجاره‌بودن قرارداد اجاره به شرط تملیک می‌باشد، نه عقد بیع. شایان توجه است که اگر مستأجر به کلیه بندهای قرارداد اجاره به شرط تملیک عمل ننماید یا قسط پایانی آن را پرداخت ننماید، انتقال مالکیت در این شرایط اتفاق نخواهد افتاد (علمی یزدی، ۱۳۸۳، ۵). لذا قرارداد اجاره به شرط تملیک ماهیتاً قراردادی مبتنی بر عقد اجاره است.

اجاره به شرط تملیک بیع اقساطی نمی‌باشد زیرا در بیع اقساطی از همان ابتدا هدف اطراف قرارداد، بیع با شرایط ویژه است و مالکیت مبیع از بدو قرارداد بیع به مشتری منتقل می‌شود. ولی در اجاره به شرط تملیک، بیع فرع بر اجاره است و هدف اصلی از قرارداد اجاره است، نه بیع و انتقال مالکیت در زمان حصول تمامی شروط و بندهای قرارداد اجاره به شرط تملیک واقع می‌شود. طیفی نیز بر این باورند که اجاره به شرط تملیک جانشین عقد رهن است (اشمیتوف، ۱۹۹۰، ۱۹۰). چراکه قرارداد اجاره به شرط

۲۵- تبصره: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کارگرفتن آن‌ها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۶- ماده ۱۲: بانک‌ها می‌توانند، به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی، اموال منقول و غیرمنقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک و استفاده خود، خریداری و به صورت اجاره به شرط تملیک به مشتری واگذار نمایند.

۲۷- ماده ۱: اجاره به شرط تملیک عقد اجاره ایست که در آن شرط شود مستأجر در پایان مدت اجاره در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد عین مستأجره را مالک گردد.

۲۸- ماده ۱۲: بانک‌ها مکلفند در قرارداد اجاره به شرط تملیک شرط نمایند که در پایان مدت اجاره و پس از پرداخت آخرین قسط مال‌الاجاره، در صورتی که کلیه تعهدات مستأجر طبق قرارداد انجام شده باشد، عین مستأجره در ملکیت مستأجر در آید.

تملیک با نوعی شرط حفظ مالکیت مواجه است که کالا وثیقه‌ای در جهت پرداخت اقساط به مؤجر است. در نهایت با انجام تمامی شروط، مالکیت کالا به مستأجر منتقل می‌شود.

در نظام کامن‌لا عقد بیع نیز در موردی می‌تواند یکی از مصادیق در ذیل عنوان بیلمنت قرار بگیرد و احکام بیلمنت در آن جاری شود. در رویه قضایی کامن‌لا، شرط حفظ مالکیت از دل پرونده معروف شرکت هلندی «ای‌ای وی» و شرکت انگلیسی «رومالپا»^{۲۹} نشئت می‌گیرد.^{۳۰} این شرط به شرط رومالپا نیز مشهور است. در سال ۱۹۷۴ میلادی، شرکت هلندی به شرکت انگلیسی مقادیری آلومینیوم فروخت. در بند ۱۳ این قرارداد فروش آمده است که: مالکیت از زمانی محقق می‌شود که خریدار یعنی شرکت انگلیسی هر مبلغی که به شرکت هلندی مقروض است را پرداخت نماید، صرف‌نظر از اینکه کالاها قبل از آن تسلیم خریدار شده باشند. لذا مالکیت ورق‌های آلومینیومی تا زمان پرداخت کامل هزینه‌ها، از آن شرکت هلندی است. در این پرونده شرکت انگلیسی قبل از پرداخت کلیه هزینه‌ها، ورشکته می‌شود و هزینه‌های مذکور را پرداخت نمی‌کند. شرکت انگلیسی مبلغ ۳۵۱۵۲ پوند در حساب خود دارد. مع الوصف، شرکت هلندی با اقامه دعوا به طرفیت شرکت مذکور مبنی بر اینکه آن‌ها دارای حق اولوی برای وجه مذکور در حساب می‌باشند را نزد دادگاهی مطرح کردند. قاضی پرونده به بند ۱۳ قرارداد مذکور استناد کرده و معتقد بود که در اینجا رابطه میان شرکت هلندی و شرکت انگلیسی بر پایه بیلمنت است و شرکت هلندی تا زمان پرداخت کلیه هزینه‌ها، با شرط حفظ مالکیت، مالکیت کالاها را برای خود نگه داشته است؛ بنابراین در اینجا شرکت هلندی تنها بیلی محسوب می‌شود و شرکت هلندی از حق تقدم برای تملک وجه حساب مذکور برخوردار است. شرط حفظ مالکیت در بند ۱ ماده ۱۹ قانون بیع انگلستان مصوب ۱۹۷۹ میلادی^{۳۱}، نیز منعکس شده است.

شرط حفظ مالکیت در حقوق ایران، به‌عنوان وسیله‌ای به مقصود تضمین پرداخت ثمن از سوی خریدار، رواج چندانی نداشته است. چراکه برای فروشنده خیار تفلیس در قانون مدنی پیش‌بینی شده است. در نتیجه شرط حفظ یا ذخیره مالکیت با خیار تفلیس عملکرد تقریباً مشابه‌ای دارند. لکن به باور برخی از حقوق‌دانان، خیار تفلیس مانع از انتقال مالکیت می‌باید به خریدار نمی‌شود (امینی، ۱۳۸۹، ۷۸)، چراکه برای استفاده از خیار تفلیس به وجود شرایط ویژه‌ای چون تفلیس خریدار نیاز است. در فرض امتناع یا تأخیر

29- Remlap

۳۰- شرط ذخیره مالکیت

31- Act of Sale of Goods 1979

خریدار در پرداخت ثمن، بایع چاره‌ای جز انتظار و طرح دعوی الزام به پرداخت ثمن معامله ندارد. اما موضوعی که می‌توان در این بخش از اهمیت بسیاری برخوردار باشد، این است که چه ارتباطی بین شرط حفظ مالکیت و قرارداد اجاره به شرط تملیک به چشم می‌خورد؟ بنابراین با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که اجاره به شرط تملیک و شرط حفظ مالکیت در بیع، هر دو در ذیل و گستره ییلمنت قرار می‌گیرند (علمی یزدی، ۱۳۸۳، ۱۱) و در برخی از موارد اجاره به شرط تملیک عملکرد مشابه‌ای همانند شرط حفظ مالکیت در قرارداد بیع دارد.

۵-۱-۴-۳- متصدی حمل و نقل خصوصی^{۳۲}

در نظام حقوقی کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا، متصدی حمل و نقل بر دو تیره، متصدی حمل و نقل عمومی^{۳۳} و متصدی حمل و نقل خصوصی تقسیم شده است. متصدی حمل و نقل عمومی کسی است که خدمات خود را به عموم ارائه می‌دهد و متصدی حمل و نقل خصوصی، کسی است که خود را متعهد به حمل یک مورد خاص کند و خود را مانند متصدی حمل و نقل عمومی به‌عنوان فردی که آماده انجام دادن حمل و نقل عمومی و ارائه خدمات است، معرفی نمی‌کند (کاظمی، ۱۳۹۳، ۲۵۵). لذا در نگاهی دیگر به نظر می‌رسد که متصدی حمل و نقل خصوصی، عملیات حمل را شغل و حرفه خود قرار نداده است (بیل، ۲۰۰۴، ۵۵۱-۵۵۳). متصدی حمل و نقل خصوصی تعهدی برای پذیرفتن کالا برای حمل ندارد، لکن زمانی که کالا را برای حمل پذیرفت، تعهداتش شروع می‌شود. وظیفه وی مراقبت‌های متعارف است. اگر شرایط قراردادی ویژه‌ای وجود نداشته باشد، متصدی حمل و نقل خصوصی در قالب ییلمنت، مسئولیت عادی خواهد داشت. برخی از حقوق‌دانان بر این باور هستند که تفاوت حمل و نقل خصوصی از عمومی، صرفاً در بحث پرداخت اجرت و عوض است (مایر و همکاران، ۲۰۱۲، ۸۳۵). به این دلیل که متصدیان حمل خصوصی همیشه در ازای خدمتی که ارائه می‌دهند اجرتی دریافت نمی‌نمایند.

۲-۴-۳- ییلمنت فوق‌العاده و ویژه

ییلمنت فوق‌العاده با مسئولیت محض همراه است و دیگر تقصیر، شرط بارشدن مسئولیت بر شخصی نمی‌باشد و در هر شرایط و بدون قید و شرط بیلی مسئولیت خواهد داشت. به سخن دیگر، مرتکب با احراز و اثبات قوه قاهره از بار مسئولیت رهایی می‌یابد. لذا تفاوت اساسی مسئولیت محض و مسئولیت مطلق در

32- Private carrier

33- Common carrier

همین مسئله است که در مسئولیت مطلق جای هیچ‌گونه معافیتی حتی بر پایه قوه قاهره وجود نخواهد داشت. به همین جهت مسئولیت مطلق سنگین‌ترین نوع از مسئولیت‌ها لقب گرفته است. البته شباهت مهمی که میان این دو نوع از مسئولیت‌ها وجود دارد، این است که هر دو مسئولیت بر پایه تقصیر نبوده و احراز یا عدم احراز تقصیر در مسئول شناخته‌شدن مرتکب تأثیری نخواهد داشت. مسئولیت مطلق به این معناست که ورود خسارت تنها شرط لازمه در مسئولیت مرتکب بوده، حتی احراز رابطه سببیت و ورود فعل زیان بار از چرخه این نوع از مسئولیت‌ها حذف شده است (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۱). متصدی مهمانسراها و رستوران‌ها و متصدی حمل و نقل عمومی از مهم‌ترین مصادیق این تقسیم‌بندی است.

۱-۲-۴-۳- مهمانسراها و رستوران‌ها

متصدیان مهمانسراها و هتل‌ها، به دلیل اینکه اموال منقول مشتریان به آن‌ها سپرده می‌شود تا از آن‌ها در حد مطلوبی نگهداری و حفاظت شود، بی‌گمان در زمره بیلمنت قرار می‌گیرند. چنانچه قبولی بیللی به صورت صریح یا ضمنی گرفته شود، بیللی مسئول حفظ کالاهای سپرده شده است (میلر و منتر، ۲۰۱۰، ۶۰۰). نکته حائز اهمیت در این است که بی‌شک باید عنصر تصرف در اینجا ایجاد شده باشد تا بیلمنت واقع شود. این گروه در قبال کالای میهمانان که به آن‌ها سپرده می‌شود، مسئولیت محض دارند که فراتر از مسئولیت عادی امین در بیلمنت است. مسئولیتی مبتنی بر مسئولیت محض؛ همانند بیمه گر کالا برای خسارت‌هایی که به دلیل سانحه یا اتفاقات غیرقابل اجتناب به وقوع می‌پیوندند. البته خساراتی که از باب تقصیر و سهل‌انگاری خود مشتریان نشئت بگیرد، در زمره مسئولیت متصدیان قرار نخواهد گرفت.

۲-۲-۴-۳- متصدی حمل و نقل عمومی

متصدی حمل و نقل عمومی کسی است که خدمات خود را به عموم ارائه می‌دهد. نظیر شرکت‌های راه آهن، جاده‌ای، کشتیرانی، هواپیمایی. متصدی حمل و نقل عمومی به‌عنوان فردی شناخته می‌شود که شغل و حرفه وی تصدی عملیات حمل بوده و اجرت و عوضی در ازای خدمتی که ارائه می‌دهد، دریافت می‌دارد (بیل، ۲۰۰۴، ۵۴۴). در واقع متصدی حمل و نقل عمومی ایجابی عام به مردم می‌دهد و برای او فرقی نمی‌کند که چه کسی و چه محموله‌ای به وی می‌سپارد تا آن را به مقصد معین برساند. در گذشته متصدی حمل و نقل عمومی از مسئولیت محض در نظام حقوقی قدیم کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا (مان و رابرتز، ۲۰۱۰، ۱۰۴۸) برخوردار بوده است. البته محدوده وظیفه مراقبت متصدی حمل و نقل عمومی در کشورهای مذکور،

با یکدیگر متفاوت بوده و اکنون تا حدودی از نظریه سنتی خود فاصله گرفته‌اند.

نتیجه

پرواضح است که بنا بر تفاوت محتوایی در دو نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق اسلامی، میان بیلمنت و امانت نیز تفاوت‌هایی به وضوح دیده می‌شود. به‌طور مثال گستره نهاد بیلمنت صرفاً اموال منقول را دربرمی‌گیرد و اموال غیرمنقول در این تأسیس جایی ندارند. حال آنکه در نهاد امانت فرقی میان امانت اموال منقول با اموال غیرمنقول نیست. مضاف بر آن براساس تقسیم‌بندی پرونده پایونر کانتینر، غصب از مصادیق برجسته بیلمنت است. پرواضح است که در حقوق ایران، غصب از مصادیق ضمان قهری به شمار می‌آید.

شایان توجه است که انبارداری به‌عنوان یکی از مصادیق بیلمنت عادی می‌بایست از مصادیق بیلمنت فوق‌العاده لحاظ گردد، چراکه انبارداری صرفاً شغلی تجاری است. فلذا در مشاغل و تعهدات تجاری به دلیل ریسک‌های بالا بازار سرمایه‌ایی نیاز است که مسئولیت و درجه آن بالاتر باشد. لذا به نظر نگارندگان نیاز است که انبارداری در کنار مصادیق بیلمنت فوق‌العاده بازتعریف شود. افزون بر آن در کنار تصدی به عملیات حمل‌ونقل عمومی که از مصادیق بیلمنت ویژه به شمار می‌آید، جای خالی قرارداد اجاره کشتی نیز به وضوح دیده می‌شود. فلذا به نظر می‌رسد که حقوق‌دانان و مفسرین حوزه بیلمنت برای قرارداد اجاره کشتی به‌عنوان یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر باربری دریایی، احکام بیلمنت در نظر نگرفته و این خلأیی فاحش در این زمینه به شمار می‌آید.

شایان توجه است که برای مفهوم بیلمنت در حقوق ایران معادلی دقیق وجود ندارد و مفاهیم ارائه شده همچون امانت، معادل دقیق و همه‌جانبه‌ای، برای این مفهوم، نخواهند بود و تنها بنا بر دلایلی که بیان شد، شباهت‌هایی میان این دو نهاد حقوقی برقرار است؛ بنابراین بهتر است که مفهوم بیلمنت به تسامح نیز به امانت ترجمه نشود، چراکه لزوماً هر مفهومی در نظام‌هایی حقوقی مختلف، معادلی دقیق نداشته و اساساً مباحثی متفاوت می‌باشند.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع فارسی

- آقایی، بهمن، ۱۳۸۲، **فرهنگ حقوقی بهمن: انگلیسی-فارسی**، تهران، انتشارات گنج دانش.
- امامی، سیدحسن، ۱۳۹۱، **حقوق مدنی**، جلد دوم، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- امینی، منصور، ۱۳۸۹، نابرابری موقعیت اقتصادی فروشنده و خریدار در عقد بیع، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۲.
- بادینی، حسین؛ شعبانی کندسری، هادی؛ رادپرور، سجاد، ۱۳۹۱، مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق، **مجله حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- دارایی، محمدهادی، ۱۳۹۷، بررسی تأسیس **Bailment** در نظام کامن‌لا و مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، **مجله حقوق تطبیقی**، شماره ۲.
- دلشاد معارف، ابراهیم، ۱۳۹۳، مبنای فقهی و حقوقی قبض در عقد رهن، **فصلنامه مطالعات فقهی و فلسفی**، شماره ۱۸.
- دهقانی، ایمان؛ فلاح، محمدرضا؛ جمشیدی، یوسف، ۱۳۹۳، انقلاب ید امانی به ید ضمانی، **فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۳۵.
- سعادت مصطفوی، سیدمصطفی و تاتاری، محمد مهدی، ۱۳۹۲، تحلیل عقد حفاظت در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، **مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره ۱.
- شکری، فریده، ۱۳۹۰، رهن دین در نظام حقوقی ایران، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۷۵.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۹۳، **حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات**، جلد دوم، تهران، انتشارات مجد.
- علموی یزدی، حمیدرضا، ۱۳۸۳، شرط حفظ مالکیت در قراردادهای بیع (بررسی تطبیقی در حقوق انگلستان و ایران)، **مجله پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۱۱.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، **دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت**، تهران، انتشارات میزان.
- کاظمی، حمید، ۱۳۹۳، بررسی اصول مسئولیت در حمل و نقل، از نظریه تا عمل؛ نگاهی به موضوع در نظام کامن‌لا، **مجله حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- محرمی، بحرعلی و سیدبنایی، سیدباقر، ۱۳۹۳، احکام مقبوض به عقد فاسد از دیدگاه مذاهب خمسسه و حقوق ایران، **فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، شماره ۳.

- نیک فرجام، کمال، ۱۳۹۰، رهن و وثیقه اسناد براتی در حقوق ایران و انگلیس، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۵۷.

- وحیدی، امیرحسین، ۱۳۸۴، تحلیلی پیرامون عقد اجاره به شرط تملیک، **ماهنامه کانون**، شماره ۵۸.

- وفادار، علی، ۱۳۸۷، اجاره به شرط تملیک، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۱.

لاتین

Books

- Beale, H. G, 2004, Chitty On Contracts, Vol. Ii. 29th Ed. Up, Sweet & Maxwell.
- Benjamin-Judah Philip, 1998, Benjamin's Sale of Goods, London. Sweet & Maxwell Limited.
- Birks-Peter, 2000, English Private Law, Oxford University Press.
- Black, H. C, 2009, Black's Law Dictionary, United States: Thomson Reuters.
- Bridge, M, 2015, Personal Property Law, United Kingdom: Oxford University Press.
- Mann, R. A, Roberts, B. S, 2010, Essentials of Business and the Legal Environment, United States: South-Western Cengage Learning.
- Mayer, D, Warner, D, M, Siebel, G, J, Lieberman, J, K, 2012, The Law, Sales and Marketing, United States: M. D University College, V. 1. 0.
- Miller, R, L, Mentz, G, A, 2010, Fundamentals of Business Law: Summarized Cases. United States: South-Western Cengage Learning.
- Merrill, T, Smith, H, 2001, The Property/Contract Interface, Columbia Law Review, Vol 101.
- Schmitt off, M, 1990, Export Trade: The Law & Practice of International Trade, London, 1990.

Articles

- Banks, N, Rafferty, N, 1997, Privet of Bailment-Liability of Sub-Bailee to Owner of Goods: The Pioneer Container.
- Cain, P, 2014, Complexity Confusion and The Multifaceted Legal Roles of the International Freight Forwarder.
- Dumpster, H, 2004, Clearing the Confusion Surrounding Bailment: Bailment as an Exercise of Legal Power by the Bailor, Common Law World Review, 33 (4).
- Helmholtz, R, H, 1992, Bailment Theories and the Liability of Bailee's: The Elusive Uniform Standard of Reasonable Care, Kansas Law Review, vole 41.
- Hirsch Rung-Martin, 2016, Ownership Is Nine-Tenths of Possession: How Disparate Concepts of Ownership Influence Possession Doctrines, Vermont Law Review, Volume 41.
- Howe-Zach, 2016, Deposits as Debts: The Peculiar Relationship Between Bank and Depositor, Muck Law review, 2016, Volume84: 4.
- Lee, A, 2008, Recovery of Chattels in the Common and Civil Law, Australian Law Journal, Vol 82.
- Newman, C, M, 2015, Bailment and the Property/Contract Interface, United States: George Mason University Legal Studies Research Paper Series.

قوانین

- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲
- دستورالعمل اجرایی اجاره به شرط تملیک مصوب ۱۳۶۳
- قانون حقوق اموال انگلستان مصوب ۱۹۲۵ میلادی
- قانون اجاره به شرط تملیک و قانون اعتبارات انگلستان مصوب ۱۹۷۴ میلادی
- قانون بیع انگلستان مصوب ۱۹۷۹ میلادی

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulain, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**